

بررسی جنبش و فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در ایتالیا (۱۳۴۰-۱۳۵۷)^۱

روح‌الله بهرامی^۲
پروین رستمی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۱

چکیده

در آستانه دههٔ چهل، دانشجویان ایرانی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا کنفدراسیونی از گرایش‌های مختلف از قبیل گرایش به حزب توده، جبهه ملی و جریان‌های اسلامی جهت سازماندهی برنامه‌های اعتراضی علیه حکومت پهلوی تشکیل دادند. از جمله این کشورها ایتالیا بود که با گسترش مناسبات فرهنگی با ایران با اعزام تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی مواجه بود. نفوذ جریان‌ها و احزاب چپ مارکسیستی-کمونیستی و سوسیالیستی در ایتالیا دانشجویان ایرانی ساکن در ایتالیا را تحت تأثیر خود قرار داد. بنیان پژوهش حاضر بر این پرسش است که دانشجویان ایرانی در ایتالیا چگونه به فعالیت‌های سیاسی روی آوردند و چگونه فعالیت‌های خود را در آنجا و در قالب چه گرایش‌هایی سازمان‌دهی کردند؟ دانشجویان از طریق کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان و با ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات چپ‌گرایانه و با زمینه‌های نفوذ حزب توده ایران و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.18540.1539

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه رازی؛ r.bahrami@razi.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه لرستان، rostami.pa@fh.lu.ac.ir

ارتباط و نفوذ حزب کمونیست ایتالیا در موقعیت‌های مناسب به فعالیت علیه حکومت پهلوی می‌پرداختند. یافته پژوهش نشان داده است که با وجود تمایلات ناسیونالیستی و اسلامی در میان دانشجویان و محصلین ایرانی در ایتالیا، با توجه به حمایت‌های احزاب کمونیست ایتالیا و نفوذ حزب توده، بسیاری از دانشجویان ایرانی با گرایش‌های چپ جذب کنفدراسیون شدند و با تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های دانشجویی علیه حکومت پهلوی فعالیت می‌کردند.

واژه‌های کلیدی: ایران، ایتالیا، کنفدراسیون دانشجویی، دانشجویان ایرانی، حزب توده، کمونیست، جبهه ملی.

مقدمه

با اعزام محصلان ایرانی از روزگار قاجار برای تحصیل در مراکز نوین آموزشی مغرب‌زمین و با تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در ایران در عصر پهلوی، نیروی جدید و اثربخشی در جامعه ایران شکل گرفت که در بسیاری از تحولات تاریخ معاصر ایران اثرگذار بود. این نیروی فرهنگی و اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ و به‌ویژه در جریان سال‌های نهضت ملی شدن نفت به یکی از نیروهای فرهنگی و اجتماعی فعال در صحنه تحولات جامعه ایران تبدیل شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ با سقوط قدرت پهلوی اول فضای سیاسی ایران باز شد. در مهر ۱۳۲۰ حزب توده اعلام موجودیت کرد و بسیاری از فعالیت‌ها و مبارزات را علیه رژیم پهلوی سازماندهی کرد. اما با ترور نافرجام محمدرضا شاه در بهمن ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران، حزب غیرقانونی اعلام شد و عده‌ای دستگیر و بسیاری دیگر به شوروی و کشورهای اروپای شرقی پناهنده شدند. یکی از راه‌های نفوذ این حزب طبق سیاست‌های کلان احزاب کمونیستی و مارکسیستی، نفوذ در میان جوامع در حال توسعه از طریق دانشجویان این کشورها بود. حزب توده هم در این راستا می‌کوشید در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور نفوذ کند و به سازماندهی دانشجویان پردازند. نفوذ حزب در میان دانشجویان پایه‌ای برای ایجاد سازمان‌های دانشجویی و در نهایت تشکیل کنفدراسیون دانشجویی گردید. گسترش روابط فرهنگی ایران و ایتالیا و اعزام تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان به این کشور زمینه گسترش فعالیت‌های دانشجویان ایرانی را در ایتالیا فراهم ساخت.

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن اشاره به فعالیت‌های دانشجویان در خارج از کشور، شکل‌گیری و نحوه سازماندهی انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی دانشجویان ایرانی در ایتالیا

را بررسی کرده و به تبیین فعالیت جریان‌ها و سازمان‌های سیاسی دانشجویان ایرانی هوادار جنبش چپ و سایر جریان‌های ملی و اسلامی دانشجویی در ایتالیا می‌پردازد. در رابطه با این موضوع تا کنون پژوهش قابل‌ذکری انجام نشده است. برخی کتب و تحقیقات صورت گرفته نظیر اثر افشین متین (۱۳۷۸)، به‌طور کلی به بررسی کنفدراسیون و تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲ پرداخته و حمید شوکت (۱۳۹۱) نیز در جنبش دانشجویی به‌طور کلی مسئله جنبش دانشجویی در خارج از کشور و کنفدراسیون جهانی دانشجویان را بررسی کرده است. هیچ‌کدام از این آثار مبحث مستقلی درباره جنبش دانشجویی و تحولات آن در ایتالیا ندارد و در کتابی از عمادالدین فیاضی (۱۳۹۳) که در باب تاریخ روابط ایران و ایتالیا (مناسبات سیاسی- فرهنگی ۱۳۲۰-۱۳۵۷) نوشته شده است علی‌رغم توجه به فعالیت‌های فرهنگی ایران و ایتالیا در قالب انجمن‌ها، ایران‌شناسی، باستان‌شناسی و هنری به جنبش دانشجویی در ایتالیا پرداخته نشده است. بنابراین و نظر به چنین ضرورتی در این پژوهش سعی بر آن است با بهره‌مندی از اسناد و مدارک آرشیوی جنبش دانشجویی در ایتالیا و مجموعه کتاب و سندهای منتشره از سوی مراکز و آرشیوهای سیاسی و امنیتی به شکلی روشن‌تر در چند مبحث مورد بررسی قرار گیرد. در ابتدا به تکوین جنبش دانشجویی و تأسیس کنفدراسیون دانشجویی در خارج از کشور اشاره شده و سپس مراحل شکل‌گیری جنبش دانشجویان ایرانی در ایتالیا و سازمان‌ها و جریان‌های فعال و چگونگی نفوذ جریان‌های چپ و فعالیت‌ها و رفتارهای سیاسی دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱- شکل‌گیری کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست جنبش ملی و هجوم دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، در سال ۱۳۳۹ (۱۵ تا ۱۸ آوریل ۱۹۶۰) نمایندگان سازمان‌های دانشجویان ایرانی در فرانسه، آلمان و بریتانیا در هایدلبرگ آلمان غربی گرد هم آمده و سازمان‌های خود را در یک سازمان ادغام کردند (متین، ۱۳۷۸: ۸۳) در ابتدا فقط کنگره کنفدراسیون اروپایی برگزار می‌شد. از سال ۱۳۴۰ به بعد با پیوستن فدراسیون آمریکا در کنگره پاریس و سپس شرکت نمایندگان دانشجویان دانشگاه‌های ایران در کنگره لوزان، کنفدراسیون جهانی شکل گرفت (شوکت، ۱۳۸۰: ۲۵۹/۲). این سازمان متشکل از دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده با نام «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی» یا «اتحادیه ملی» CISNU تشکیل شد^۱ و در

دوران فعالیت خود به‌عنوان بلندگوی اعتراض نیروهای مخالف حکومت پهلوی محسوب می‌شد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا، ۱۳۸۳: پنج). پسوند «اتحادیه ملی» بیانگر آن بود که این تشکل دانشجویی رسماً نماینده همه دانشجویان ایران در داخل و خارج کشور است. اسناد تشکیلات مزبور اغلب از این سازمان تحت عنوان کنفدراسیون جهانی نام می‌برد که دلالت بر بین‌المللی بودن سازماندهی و فعالیت‌های آن داشت (متین، ۱۳۷۸: ۱۲۹). در ابتدای کار اساس این بود که فرهنگ ایران شناسانده شده و برای خواسته‌های صنفی چاره‌جویی شود. در واقع این اساننامه کلیه انجمن‌های دانشجویی بود که در اواخر سال‌های ۱۳۳۰/۱۹۵۰ و اوایل ۱۳۴۰/۱۹۶۰ به وجود آمده و اجزای بعدی کنفدراسیون را تشکیل می‌دادند (شوکت، ۱۳۸۰: ۲۵۴/۲). کنفدراسیون جهانی که ابتدا حالت صنفی داشت، به تدریج رنگ سیاسی به خود گرفت (همان، ۲۶۳). در ساختار کنفدراسیون گرایش‌های متفاوتی وجود داشت و عمده این گروه‌ها عبارت بودند از: حزب توده ایران، جبهه ملی ایران در خارج از کشور، جامعه سوسیالیست‌های ایران در اروپا، سازمان انقلابی حزب توده ایران، سازمان طوفان و جبهه ملی سوم (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: نوزده).

۲- تأسیس سازمان‌های دانشجویان ایرانی در ایتالیا

ایتالیا از جمله کشورهایی بود که در دوره پهلوی اول در نوسازی ایران سهم بود. پس از شهریور بیست و اشغال ایران به وسیله متفقین، ایران به ناچار در تحت شرایط خاص به این کشور اعلان جنگ داد. بعد از اتمام جنگ مجدداً روابط سیاسی آغاز شد و در سال ۱۳۲۹ در مجلس شانزدهم عهدنامه مودت با این کشور مطرح شد. در جریان ملی شدن نفت ایران، ایتالیا از حامیان دولت و ملت ایران بود و سعی در خرید نفت ایران هنگام تحریم آن از سوی انگلیس کرد. با برقراری روابط سیاسی، روابط اقتصادی و فرهنگی نیز گسترش یافت. در زمینه روابط فرهنگی با اعزام استاد و دانشجو و اعطای بورس‌های تحصیلی، تعداد دانشجویان ایرانی در ایتالیا افزایش یافت. «با تشکیل کنفدراسیون جهانی دانشجویان، دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا هم با توجه به زمینه‌های مناسبی که داشت به این کنفدراسیون پیوستند لذا بعد از آلمان و آمریکا، کشورهای ایتالیا و اتریش از دیگر اعضای مهم کنفدراسیون محسوب می‌شدند» (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: شش). توسعه بیشتر روابط ایران و ایتالیا اعزام بیشتر دانشجویان ایرانی به ایتالیا را در پی داشت و در نتیجه به گسترش فعالیت جریان‌های دانشجویی در این کشور منجر شد.

۳- احزاب مارکسیستی-کمونیستی در ایتالیا

با توسعه و گسترش احزاب چپ مارکسیستی و کمونیستی در آلمان و اتریش و در نتیجه بسته شدن فضای سیاسی ایران پس از کودتای ۱۳۳۲ فعالیت فعالان و دانشجویان ایرانی وابسته به حزب توده در اروپا گسترش یافت و متعاقب آن فعالیت عناصر و هواداران حزب توده در ایتالیا آغاز گردید و به زودی شعب و شاخه‌های متعددی از گرایش‌ها و جریان‌های مارکسیستی - کمونیستی در ایتالیا شکل گرفت که توانست در میان محصلین ایرانی شاغل به تحصیل در ایتالیا بسیار اثربخش شود. اولین گزارش موجود در اسناد ساواک در این خصوص مربوط به اواخر سال ۱۳۳۷ است. در ایتالیا احزاب و سازمان‌های متعدد چپی و کمونیستی چون: حزب کمونیست، حزب سوسیالیست کارگر، حزب سوسیالیست، حزب رادیکال، سازمان جوانان کمونیست، جوانان سوسیالیست کارگر، جوانان سوسیالیست، جناح چپ کاتولیک‌های جوان و وجود داشت که فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه‌های چپ و کمونیست دیگر کشورها را نیز در آن کشور هدایت می‌کردند و از جمله عناصر حزب توده در ایتالیا تحت حمایت آنها قرار داشت و نسبت به پشتیبانی از آن عناصر اقدام می‌نمودند، به همین دلیل نیز غالب فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در ایتالیا جلوه کمونیستی گرفته بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۸۹/۲). سازمان مارکسیستی - لنینیستی در خود ایتالیا به صورت دو سازمان جدا از یکدیگر بود: سازمان انقلابی چینی که اکثر اعضاء آن از انشعابون حزب کمونیست بود و فعالیت‌شان کاملاً مخفی بود. و سازمان جوان پیروان تروتسکی و تعدادی قلیل از افراد ایرانی هم به رهبری فرخ باور با این سازمان در ارتباط بودند (همان، ۴۳۰، شماره سند ۳۱۵/۵۰۷، تاریخ ۴۷/۳/۱). احزاب کمونیست ایتالیا نیز به نوبه خود با حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی مرتبط بوده، و به اشکال مختلف از جانب آنان حمایت و پشتیبانی می‌شد (همان، ۳۹۲). اما کمونیست‌های ایتالیا خواهان «تعدد مرکزیت» بودند که هر کشوری حزب و فرهنگ ملی خود را داشته باشد؛ برخلاف روس‌ها که خواهان «وحدت مرکزیت» در داخل جنبش جهانی کمونیست بودند (طبری، ۱۳۶۷: ۱۲۰). اما معمولاً پول‌هایی که از طرف کمونیست‌های روسیه و چین برای تحریک انقلاب در کشورهای اروپایی داده می‌شد به مرکز کمونیستی ایتالیا می‌رسید و از ایتالیا برای تحریکات مقاماتی که لازم بود، تقسیم می‌گردید (آرشو اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۱۷۲-۳۱، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۳). حزب کمونیست ایتالیا از بزرگ‌ترین احزاب ایتالیا بود، این حزب برای رویارویی با بحران اقتصادی ایتالیا از برنامه صرفه‌جویی و ریاضت‌کشی پشتیبانی می‌کرد و از خروج ایتالیا از پیمان آتلانتیک نیز اصراری نداشت، زیرا به هیچ وجه مایل نبود کشور در تماس مستقیم با دنیای کمونیست قرار گیرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۸: ۲۱۴).

۴- دانشجویان ایرانی و غلبه گرایش‌های چپ

با قدرت یافتن جریان‌های مارکسیستی و کمونیستی در ایتالیا، دانشجویان ایرانی نیز توانایی و قابلیت جریان‌ها و احزاب چپ ایتالیا را محفلی برای فعالیت‌های سیاسی خویش یافتند. آنها به‌زودی دریافتند که با استفاده از این پایگاه‌ها و جریان‌های نیرومند در جامعه ایتالیا می‌توانند مقاصد فکری و سیاسی خویش را تقویت کنند. گروه چپ ایرانی که در ایتالیا فعالیت‌های خویش را شروع کرد عمدتاً از خط مشی سیاسی مشابه خط مشی احزاب کمونیستی اروپایی مانند حزب کمونیست فرانسه و احزاب کمونیست ایتالیا تبعیت نمود. رهبری این گروه از چپ‌های ایرانی مقیم ایتالیا را «رحمت‌اله خسروی» عهده‌دار بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۸۹/۲-۳۹۰). در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۳۵ طرفداران حزب توده که چندین سال بود فعالیتی نداشتند با مسافرت ایرج اسکندری به ایتالیا فعالیت سازمان جوانان و دانشجویان در این کشور تشدید شد و آنان مجدداً شروع به فعالیت نمودند (همان، ۴۷۲، شماره سند ۸۰۰۵، تاریخ ۳۵/۱۱/۶). روابط و تعاملات رهبران احزاب کمونیست ایتالیا با کادرها و عناصر حزب توده آن‌قدر گسترش یافت که به‌شدت موجبات نگرانی رژیم شاه را فراهم آورد. بار دیگر ایرج اسکندری با برلینگوئر رهبر حزب کمونیست ایتالیا، در ایتالیا ملاقات نمود و مذاکراتی انجام داد. احتمال می‌رفت که با این ملاقات تأسی حزب توده ایران به رویه حزب کمونیست ایتالیا صورت گیرد و از مشی رهبری و افکار حزب کمونیست آن کشور جهت ایجاد اعتباری برای حزب توده استفاده شود (همان، ۴۶۷-۴۶۹، شماره ۲۸۱، تاریخ ۲۵۳۵/۹/۱۰). این نوع ملاقات‌ها نمی‌توانست بدون توصیه و صلاح‌دید رهبران کمونیسم بین‌الملل صورت گیرد و احتمالاً این ملاقات به دستور مسکو انجام شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که هدف اصلی این ملاقات فوری، اعاده حیثیت به حزب توده، تبعیت کردن از رفتار حزب کمونیست ایتالیا، تلفیق روش‌ها و گرفتن ایده‌های ارزنده‌ای از برلینگوئر بوده است (همان، ۳۹۱). در شهریور ۱۳۳۶ (سپتامبر ۱۹۵۷) رئیس‌جمهور ایتالیا جووانی گرونچی، همراه وزیر امور خارجه آن کشور به دعوت شاه به ایران آمدند. مهم‌ترین مسائل مورد مذاکره بین شاه و رئیس‌جمهور ایتالیا عبارت بودند از نفت و توسعه بازرگانی. پس از این مذاکرات نخستین هیئت نمایندگی اقتصادی ایتالیا در ۳ آذر ۱۳۳۶ (۲۴ نوامبر ۱۹۵۷) وارد تهران شد. (از غندی، ۱۳۹۳: ۴۳۹)

۵- گسترش مناسبات فرهنگی و تقویت فعالیت‌های دانشجویی در ایتالیا

با توسعه روابط ایران و ایتالیا در سال‌های بعد هیئت‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی دو کشور از ایران و ایتالیا بازدید به عمل آوردند. محمدرضا شاه در پاسخ دیدار رئیس‌جمهور ایتالیا در آذر ماه

۱۳۳۷ به ایتالیا سفر کرد و موافقت‌نامه‌های فرهنگی و بازرگانی متعددی بین دو کشور طی اقامت او در رم به امضاء رسید. هدف از این قرارداد فرهنگی بسط روابط فرهنگی بین دو کشور بود (ازغندی، ۱۳۹۳: ۴۳۹). یکی از موارد مشخص همکاری‌های فرهنگی و علمی میان ایران و ایتالیا بحث اعطای بورس‌های تحصیلی از طرف دولت ایتالیا به محصلین ایرانی بود. ظاهراً آغاز اعطای این بورس‌ها پس از نخستین قرارداد فرهنگی بود که در سال ۱۳۲۹ بین دو کشور منعقد شد، اعطای این بورسیه‌ها از سال ۱۳۳۲ آغاز شد. (فیاضی، ۱۳۹۳: ۲۱۱) و با انعقاد موافقت‌نامه فرهنگی ایران و ایتالیا مبادلات فرهنگی استادان و دانشجویان به دو کشور تسهیل شد و در حدود مقررات، اعطای بورس مدنظر قرار گرفت و اینکه دانشجویان هر یک از دو کشور در مؤسسات مربوطه طبق قوانین و مقررات جاری به مطالعات ادبی و هنری و علمی و فنی بپردازند. این موافقت‌نامه فرهنگی بین دو کشور، مشتمل بر یک مقدمه و سیزده ماده در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۳۷ از طرف نمایندگان مختار دو کشور به امضاء رسید و پس از تصویب مجلس سنا در جلسه بیست و هشتم فروردین ماه ۱۳۳۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کد سند ۱۰۲۵۲۸۹، ۱۹/۵۵/۲/۱/۲۹۸، تاریخ ۱۳۳۷/۱۱/۲۵-۱۳۳۹/۱۰/۲۴ و کد سند ۸۴۱۸۹۴، ۱۹/۱۷۰/۲/۱/۲۸۵، تاریخ ۱۳۳۸، کد سند ۱۱۱۰۵۳۱، ۱۹/۹۹/۰/۲۹۸، تاریخ ۱۳۳۷/۹/۸-۱۳۳۹/۱/۲۸).

گسترش روزافزون تعداد دانشجویان ایرانی در کشورهای اروپایی و از جمله در کشور ایتالیا هم‌زمان با شکل‌گیری و سازمان‌یافتن فعالیت‌ها و تشکل‌های سیاسی و مبارز در داخل ایران در دهه ۱۳۴۰ بود و سازماندهی مجدد گرایش‌های چپ، ناسیونالیست و اسلامی زمینه‌های ورود دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج کشور را در ارتباط با این جریان‌ها هموار کرد. در ایتالیا بیش از هر جریان سیاسی و مبارزاتی نفوذ گرایش‌های چپ کمونیستی و سوسیالیستی غلبه داشت که تأثیرات مهمی در روند فعالیت‌های مبارزاتی دانشجویان ایرانی در این کشور برجای نهاد و دانشجویان ایرانی که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و شهرهای مختلف ایتالیا حضور داشتند را به میدان فعالیت‌های سیاسی کشانید. با گسترش مناسبات فرهنگی ایران و ایتالیا تعداد دانشجویان ایرانی در سال ۱۳۴۷ که در دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایتالیا ثبت نام نموده بودند، ۴۱۲ نفر بودند و در هریک از شهرهایی که دانشجویان ایرانی بودند سازمان دانشجویی تشکیل دادند و گرایش‌ها و تمایلات هریک مشخص بود. البته در این میان فعالیت‌های دانشجویان ایرانی با تمایلات کمونیستی - سوسیالیستی و هوادار جبهه ملی غلبه داشت.

جدول تعداد دانشجویان فعال در سازمان‌های دانشجویی در ایتالیا در سال ۱۳۴۷

ردیف	تعداد دانشجویان ایرانی ثبت نام شده در دانشگاه‌ها و مدارس عالی ایتالیا	نام شهر	تعداد دانشجویان فعال در سازمان‌های دانشجویی	گرایش‌های سیاسی سازمان‌های دانشجویی
۱	۱۵۸	رُم	۶۰	تمایلات انقلابی
۲	۱۰۱	فلورانس	۴۵	تمایلات انقلابی و جبهه‌ای
۳	۲۳	بلونیا	۱۸	تمایلات جبهه‌ای
۴	۱۳	پادوا	۹	تمایلات کمیته مرکزی (توده‌ای مقیم شوروی)
۵	۴۱	ونیز	۲۲	تمایلات کمیته مرکزی (توده‌ای مقیم شوروی)
۶	۷۶	پروجا	۱۲	موضع خاصی نداشت

(براساس: چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۳۱/۲ و ۴۳۲، مرکز اسناد ریاست جمهوری: شماره سند ۳۱۵/۱۰۲۸، تاریخ

(۴۷/۵/۱۵)

ایتالیا با اینکه رابطهٔ حسنه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با حکومت پهلوی داشت اما حزب کمونیست این کشور از حمایت‌های مالی و معنوی نسبت به فعالیت دانشجویان در قالب کنفدراسیون دانشجویان چپ دریغ نمی‌کرد. دانشجویان ایرانی در ایتالیا با کمک حزب تودهٔ ایتالیا، «سازمان دموکرات دانشجویان» را تأسیس نمودند که رابطهٔ نزدیکی با حزب کمونیست ایتالیا داشت و از کمک‌های مادی و معنوی آن برخوردار بود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۹۰/۲). به‌طور کلی دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا به دو دسته تقسیم می‌شدند: یک دسته طرفدار کمونیسم و یک دسته طرفدار جبههٔ ملی و به تدریج به یک دسته با تشکیلات منظم تبدیل شد (همان، ۴۰۷، شمارهٔ سند ۵۲۸ط، تاریخ ۴۵/۴/۲۸) و این تشکیلات منظم و وحدت دو طیف، به دلیل زمینه‌هایی بود که برای همکاری مشترک میان سازمان‌های دانشجویی خارج از کشور مدافع حزب توده و ملیون به وجود آمد. با پیروزی کودتا، از سال ۱۳۳۳ توجه دانشجویان به ضرورت وحدت جلب شده بود. کوشش برای دستیابی به این هدف، بیش از همه از سوی دانشجویان هوادار «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» انجام می‌گرفت. این جمعیت که از سیاست‌های حزب توده تبعیت می‌کرد در آلمان و فرانسه فعالیت داشت و دانشجویان را به تشکیل جبههٔ واحدی از جبههٔ ملی و حزب توده برای پیکار با رژیم کودتا فراخواند (شوکت، ۱۳۹۱: ۵۳) به طوری که بر دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا تأثیر می‌گذاشت و آنها را به وحدت می‌کشاند. اما مشاجره و زدو خورد بین اعضای سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات وابسته به کمیتهٔ مرکزی

حزب توده و طرفداران جبهه ملی در دانشگاه پادوا ایتالیا بر سر مسائل کم‌اهمیت وجود داشت (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۲/۴۷۵، شماره سند ۳۳۲/۴۳۴۳، تاریخ ۳۶/۱۱/۱۳). وحدت میان آنها مقطعی بود. انجمن‌های متعددی نیز از دانشجویان در ایتالیا تشکیل شده بود که با چپ‌ها همکاری می‌کردند. انجمنی تحت عنوان «انجمن اسلامی فلورانس» وابسته به انجمن اسلامی اروپا (آلمان غربی) در ایتالیا آغاز به کار نمود که بعضاً با انجمن جوانان و دانشجویان دموکرات ایران در فلورانس (وابسته به کمیته مرکزی حزب توده) همکاری می‌کرد، ولی در برخی مواقع بین دو گروه اختلاف نیز بروز می‌کرد که نتیجه آن قطع موقت همکاری از جهت عدم پخش نشریات دسته مقابل و حمله در اعلامیه‌ها به گروه دیگر بود (همان، ۴۵۶، شماره سند ۳۳۲/۳۸۰۶). عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا وابسته به کمیته آزادی ایتالیا - ایران بودند که این کمیته را روبرتو تراسینی Roberto Terracini، رئیس نمایندگان کمونیست در پارلمان ایتالیا اداره می‌کرد (همان، ۴۰۳، شماره سند ۳۱۵/۱۰۰۸-ط/۳۵۲-۴۴/۱/۲، تاریخ ۴۴/۶/۲۷). شمار اعضای سازمان جدید طوفان که در سال ۱۳۴۳ به وجود آمد اندک بود و در ایتالیا فقط نام منصور شاه‌حسینی به عنوان عضو این حزب آمده است (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: سند بدون شماره، ۳۴۴). در اواخر سال ۵۴، انجمنی تحت عنوان «سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات» از فلورانس (وابسته به کمیته مرکزی حزب توده) که مرکز آن در اروپا بود با نام مخفف کودی (C.U.D.I) آغاز به کار نمود و شعبه دیگری نیز از این سازمان در رم دایر گردید که ائتلاف خود را با انجمن اسلامی رم اعلام نمود (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۵۵/۲، شماره سند ۳۳۲/۳۸۰۸، تاریخ ۵۴/۱۲/۵). ایجاد سازمان کودی هم‌زمان با سفر ایرج اسکندری به رم در سال ۵۴ و دیدار با رهبر حزب کمونیست ایتالیا بود (همان، ۴۵۸، شماره سند ۶۷۶۵، تاریخ ۵۴/۱۲/۲۲). رحمت‌الله خسروی عضو شورای نگارنده نشریه «راه آزادی» ارگان کودی بود که در رم چاپ می‌شد. نشریه مذکور با اجازه دادگستری رم چاپ و انتشارات می‌یافت. (همان، ۴۵۷، شماره سند ۶۷۱۵، تاریخ ۵۴/۱۲/۶). اعضاء و طرفداران سازمان کودی در ایتالیا به طور کامل شناخته نشده بودند و سازمان بلونیا کاملاً طرفدار کودی بود و اعضای انجمن اسلامی فلورانس هم گرایشی به طرف کودی داشت و با رضا رهبری از اعضای کودی همکاری می‌کردند. از گروه رضا رهبری، مجید مرتضوی و پرویز چمن‌پیرا برای کودی فعالیت می‌کردند (همان، ۴۵۰ - ۴۵۱، شماره سند ۶۳۳۰، تاریخ ۵۴/۸/۱۵).

جدول سازمان‌ها و انجمن‌های دانشجویی فعال در ایتالیا

ردیف	سازمان یا انجمن	محل فعالیت	گرایش سیاسی	رهبر
۱	سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات (C.U.D.I.)	رم - فلورانس - بلونیا - پادوا	وابسته به کمیته مرکزی حزب توده	رحمت‌الله خسروی رضا رهبری
۲	انجمن اسلامی فلورانس	فلورانس	وابسته به انجمن اسلامی اروپا - گرایش به طرف کودی	-
۳	انجمن اسلامی رم	رم	گرایش جریان‌های اسلامی	-
۴	سازمان طوفان	-	-	منصور شاه‌حسینی
۵	کمیته آزادی ایتالیا - ایران	-	وابسته به حزب کمونیست ایتالیا	-
۶	گروه طرفداران جبهه ملی	-	-	-
۷	سازمان دموکرات دانشجویان ایران	-	گرایش به حزب توده ایتالیا	-

۶- فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در ایتالیا

فدراسیون دانشجویان ایرانی ایتالیا از کلیه سازمان‌های دموکراتیک و احزاب چپ ایتالیا درخواست کمک مالی می‌کرد، این احزاب عبارت بودند از حزب کمونیست - حزب سوسیالیست - حزب رادیکال و سازمان‌ها عبارتند از سازمان جوانان کمونیست - جوانان سوسیالیست کارگری - جوانان سوسیالیست و جناح چپ کاتولیک‌های جوان و گروه چپ کاتولیک‌های واتیکان. در این میان کمک‌های حزب سوسیالیست کارگری و واتیکان ارقام بزرگ‌تری را برای حمایت مالی در برداشته‌اند (همان، ۴۳۱-۴۳۲، شماره سند ۳۱۵/۱۰۲۸، تاریخ ۴۷/۵/۱۵). ملاقات‌هایی هم که بین حزب توده و حزب سوسیالیست ایتالیا صورت می‌گرفت باعث تقویت رابطه و پشتیبانی احزاب چپ‌گرای ایتالیایی از سازمان‌های دانشجویی چپ‌گرا می‌شد؛ هیئتی که از حزب توده ایران از طرف هیئت دبیره حزب سوسیالیست ایتالیا پذیرفته شد. مسائل مربوط به حقیقت اجتماعی و سیاسی ایران، مبارزه برای دموکراسی و سیاست امپریالیستی ایران در منطقه، مورد بررسی دو هیئت قرار گرفت. طرفین مذاکرات طی این ملاقات در مورد مسائل مختلف به توافق کامل رسیدند (همان، ۴۶۲، تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۶۷).

سازمان‌ها و انجمن‌های دانشجویی در نتیجه تماس‌هایی که توسط نمایندگان آنها در شهرهای مختلف ایتالیا با حزب کمونیست این کشور گرفته شد، این حزب موافقت نمود که از طریق شعب

خود در شهرهای ایتالیا و رم مبالغی را بابت هزینه‌های فعالیت‌هایشان دریافت کنند (همان، ۳۸۹ - ۳۹۰). حزب کمونیست ایتالیا برای اینکه هزینه زیادی بر او تحمیل نشود، از دیگر احزاب چپ ایتالیایی مانند حزب سوسیالیست و حزب سوسیالیست کارگری ایتالیا درخواست کرد قسمتی از هزینه‌های مربوط به دانشجویان ایرانی را پردازند و این احزاب نیز پذیرفتند. به علاوه موافقتی بین حزب کمونیست ایتالیا و گروه دانشجویان ایرانی انجام شد مبنی بر اینکه هر موقع دانشجویان بخواهند تظاهرات نمایند هزینه مربوط به آن جداگانه توسط حزب کمونیست ایتالیا پرداخت شود و در موارد دیگر مانند چاپ و انتشار نشریات به آنها کمک لازم خواهد شد. این احزاب ضمن این که هر ماهه مبلغی پول در اختیار گروه دانشجویان ایرانی مخالف رژیم ایران قرار می‌دادند، اطلاعاتی نیز در زمینه موضوعات مربوط از آنها کسب می‌کردند (همان، ۳۹۰ - ۳۹۶، شماره سند ۷۴۴/۳۵۰۰، تاریخ ۴۳/۲/۸ به عنوان نمونه سه چهارم مخارج دانشجویان شرکت‌کننده در اردوی سمینار در شهر ریچونه را حزب کمونیست ایتالیا پرداخت نمود و شهرداری شهر، محل اقامت و اردوی کنفدراسیون عضو حزب کمونیست ایتالیا بود و سالی که در آن جلسات تشکیل داده می‌شد نیز متعلق به حزب کمونیست ایتالیا بود (همان، ۴۱۹، شماره سند ۲۳۳۳، تاریخ ۴۶/۷/۱). از جمله فعالیت‌های دانشجویان برگزارکننده کنفرانس‌های مطبوعاتی و تظاهرات‌ها، انتشار نشریات و روزنامه‌ها، اعلامیه‌ها، جلسات، سمینارها و نمایشگاه‌ها بود. سازمان کودی فعالیت‌هایی مانند نمایشگاه عکاسی در زمینه مبارزات مردم ایران و اوضاع روستاهای ایران در سالن دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه رم برگزار کرد (همان، ۴۷۱، شماره سند ۸۳۰۱، تاریخ ۳۶/۱/۱۲).

۶-۱- جشن تولد شاه و اعتراضات دانشجویان ایرانی در ایتالیا

در آبان سال ۱۳۴۲ در سالروز تولد شاه تعدادی از هنرمندان ایرانی به منظور برگزاری برنامه‌های فرهنگی به ایتالیا مسافرت کردند و به دنبال آن جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا از دانشگاه‌های فلورانس و پروجا به رم آمدند و در مقابل سفارت ایران دست به اعتراض زدند و به درون سفارت رفتند. روز بعد روزنامه آوانتی^۱ ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا خبری را تحت عنوان «سفارت ایران در رم اشغال شد» به این مسئله پرداخت و در آن ورود هنرمندان فولکلور ایرانی را به رم و خصوصاً اینکه شب اول نمایش را به نفع آسیب‌دیدگان دره وایونت (که سیل ناشی از شکاف سد در دره وایونت خسارات و کشته‌شدگان بسیاری داشت) تخصیص داده بودند مورد انتقاد قرار داده و نوشته بود که این اقدام نشان‌دادن «احساسات دروغی» سفارت ایران و

هنرمندان ایرانی به مردم ایتالیا است و این کار برای تبرئه رژیم شاه است. این مطالب در روزنامه لونی‌تا^۱ ارگان حزب کمونیست ایتالیا نیز چاپ شد و مورد اعتراض سفیر کبیر ایران دکتر ارسنجان‌ی قرار گرفت. او نامه‌ای به سردبیر روزنامه می‌فرستد که برنامه ورود هشتاد نفر هنرمند ایرانی به رم به طور اتفاقی هم‌زمان با حادثه وایونت بوده است و آن را با حادثه زلزله قزوین در سال گذشته (۱۳۴۱) مقایسه کرد که جوانان ایتالیایی خونشان را برای معروحين فرستادند. آن زمان هم صحیح نبود جراید ایران به جای تقدیر و تشکر از احساسات انسان‌دوستانه ایتالیایی‌ها به آن‌ها توهین می‌کردند و می‌نوشتند که این احساسات دروغی است و شما خواسته‌اید رژیم ایتالیا را تحکیم کنید. سفیر کبیر ایران تأکید کرد صرف اینکه روزنامه سوسیالیستی و ضد رژیم سلطنتی است چنین خبر و عنوانی را چاپ کرده است. در پاسخ روزنامه آوانتی به اعتراض دکتر ارسنجان‌ی، نامه‌ای برای روزنامه از سوی دانشجویان فرستاده شد و اظهار شده بود که علت تظاهرات دانشجویان این بوده که نمایش هنرمندان ایرانی از طرف سفارت برای برگزاری جشن تولد شاه مورد استفاده قرار گرفته است و این اقدام به منظور کمک به قربانیان وایونت بوده است و روزنامه قصد توهین به هنرمندان و ملت ایران نداشته و خواسته است به این مطلب توجه شود و آن اینکه رژیم تهران در میان دانشجویان ایرانی چقدر دشمن فعال دارد (آرشو اسناد ریاست جمهوری، سند بدون شماره، تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۶۳). در واقع دانشجویان فلورانس و پروجا که به رم آمده بودند قصد داشتند با این اقدام از انعکاس سفر هنرمندان به ایتالیا و مخصوصاً برگزاری جشن تولد شاه بکاهدند و بر این مبنا حدود ۲۵ نفر از آنها به مقابل سفارت ایران آمدند تا با سفیر کبیر دکتر ارسنجان‌ی ملاقات نمایند و چون سفیر به خاطر بازدید در تمرین هنرمندان و مقدمات جشن شب چهارم آبان در مهمانخانه هیلتون بود دانشجویان داخل سفارت شدند و منتظر او ماندند و عکس‌هایی از ورودی سفارت گرفتند که آن را تعبیر به اشغال سفارت کردند. نماینده دانشجویان از سفیر (که به سفارت بازگشته بود) پرسید که سفر هنرمندان به ایتالیا چه ضرورت داشته و به علاوه چرا هنگامی که در کشور ایران مردم محتاج کمک هستند، درآمد حاصل از نمایش هنرمندان به صلیب سرخ ایتالیا هدیه می‌شود. سفیر پاسخ داد که هنرمندان برای نمایش هنر مردم ایران و برای معرفی کشور ایران به مردم ایتالیا آمده‌اند و اختصاص درآمد یک شب نمایش هنرمندان به صلیب سرخ ایتالیا اقدامی است که در قبال اقدام انسان‌دوستانه مردم و جوانان ایتالیا هنگام حادثه زلزله قزوین صورت گرفته است. و چون دانشجویان از ساعت ۱۳ تا ۲۱ در سفارت مقیم بودند صبح روز بعد روزنامه‌های آوانتی و لونی‌تا در این مورد اخباری نشر دادند که

دانشجویان ایرانی مقیم ایتالیا سفارت را اشغال کردند و علیه بهره‌برداری از سفر هنرمندان ایرانی به رم برای شب جشن تولد شاه اعتراض کردند (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، سند بدون شماره، تاریخ ۱۳۴۲/۸/۹). پس از این حادثه یکی از اقدامات و حرکتهای سیاسی دانشجویان ایرانی ساکن ایتالیا مسئله ترور شاه در کاخ مرمر بود که در زیر به چگونگی ارتباط دانشجویان ایرانی ساکن در ایتالیا با این حادثه می‌پردازیم.

۶-۲- دانشجویان ایرانی در ایتالیا و حادثه ترور شاه در کاخ مرمر

در ۲۱ فروردین ۱۳۴۴ (۱۰ آوریل ۱۹۶۵)، رضا شمس‌آبادی سرباز ۲۲ ساله گارد شاهنشاهی با گشودن آتش به روی شاه در کاخ مرمر تهران قصد ترور او را کرد اما این تلاش نافرجام ماند و ضارب توسط دیگر افراد گارد به ضرب گلوله کشته شد. رضا شمس‌آبادی را اجیرشده گروه نیکخواه معرفی کردند. پرویز نیکخواه و دوستانش از کنفدراسیون جهانی دانشجویان در انگلیس بودند و در پی آن پرویز نیکخواه، احمد منصوری، منصور پورکاشانی، فیروز شیروانلو و محسن رسولی که مدتی پیش از این واقعه به ایران بازگشته بودند، همراه با چند نفر دیگر دستگیر شدند (شوکت، ۱۳۹۱: ۱۲۶). در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴، پرویز نیکخواه همراه با گروه کوچکی از فعالان کنفدراسیون در انگلیس، که به سازمان انقلابی گرایش داشتند، عازم ایران شدند. نیکخواه زمانی که به‌عنوان یکی از اعضای هیئت نمایندگی کنفدراسیون در یک کنفرانس دانشجویی در آفریقا شرکت داشت، با مقامات چینی تماس برقرار کرد که گروه‌هایی از ایرانیان را برای آموزش انقلابی بپذیرند. وی پس از آن به ایران بازگشت (متین، ۱۳۷۸: ۲۰۴). نیکخواه رهبر گروه دستگیرشده بود و با دستگیری آنها، نخستین بار بود که حکومت در سطحی گسترده به رویارویی با کنفدراسیون جهانی دانشجویان می‌رفت و در ارتباط با دستگیری چند تن از اعضای آن، به وجود فعالیت‌های دامنه‌دار ضد رژیم در خارج از کشور اعتراف می‌کرد. کنفدراسیون تلاش گسترده‌ای را برای آزادی دستگیرشدگان آغاز کرد. فعالیت‌های آنان که به کشور ایتالیا مربوط می‌شد به این شرح است: در ایتالیا و اتریش، دانشجویان عضو کنفدراسیون دست به اعتصاب غذا زدند و با پخش اعلامیه، جمع‌آوری امضاء از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و نیز سازمان‌های صنفی و سندیکایی به پشتیبانی از دستگیرشدگان حادثه کاخ مرمر پرداختند (شوکت، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۴۵، متین، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۲۲۳). عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم رم به اتفاق کمونیست‌های رم در مقابل سفارت ایران در رم تظاهراتی برپا کردند (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، شماره سند ۳۴۴۲، تاریخ ۴۴/۳/۲۲) و روزنامه کمونیستی لونی‌تا تقاضای آنان را چاپ کرده و نوشته بود که آنها شرحی به

پاپ اعظم نوشته و تقاضای مداخله در استخلاص دستگیرشدگان حادثه کاخ مرمر را نموده‌اند. در این مورد یکی از مقامات سفارت ایران با منسینور، قائم‌مقام وزارت خارجه ایتالیا و مشاور پاپ اعظم ملاقات و روزنامه یونیتا را به او ارائه داد. منسینور به وی اطمینان داد که این اعمال تأثیری در پاپ ندارد و از آنها حمایتی به عمل نمی‌آید، زیرا که پاپ خود با فعالیت‌های کمونیستی مخالف است و در این رابطه از ایران حمایت می‌کند (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، شماره سند: ۱۷۲-۳۱، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۳؛ چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۱/۲ / ۴۰۱، شماره سند ۳۱۵/۳۵۰، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۲۷). پس از تظاهرات و اعتصاب آنها کنفرانس مطبوعاتی برگزار گردید و درباره وضعیت دستگیرشدگان در تهران، که متهم بودند با حزب کمونیست رابطه داشته و به شاه سوء قصد کرده‌اند، صحبت شد. آنها درخواست داشتند «رفقای» آنها در یک دادگاه غیرنظامی و قانونی تحت محاکمه قرار بگیرند و وکلای بی طرفی از حقوق آنها دفاع نمایند. دانشجویان ایرانی در این کنفرانس از جمعیت‌های ضد فاشیستی و دموکراتیک ایتالیا کمک می‌طلبند تا هیئتی از وکلای مدافع خارجی برای دفاع از آنها تشکیل گردد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۲/۳۹۸-۳۹۹، شماره سند ۳۱۵/۲۸۴-۳۱۵-۲۴۲ ط ۴۴/۳/۴، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۱۲). کنفرانس مطبوعاتی دیگری از سوی دانشجویان مقیم ایتالیا برگزار می‌شود. در این کنفرانس قریب ۵۰ نفر دانشجوی ایرانی و خبرنگاران جراید چپ و چند نفر از وکلای چپ و خبرنگاری از نشریه اکونومیست لندن حضور داشتند که درباره جریان محاکمات و شکنجه‌ها در ایران سخنرانی شد. روز بعد از کنفرانس روزنامه لونیتا و روزنامه آوانتی مطالبی درباره کنفرانس نوشتند اما ایتالیا که روابطش با ایران حسنه بود در صدد جلوگیری از این گونه کنفرانس‌ها بود. زیرا کشور ایتالیا منافع نفتی در ایران داشت و سعی می‌کرد روابط خود را با ایران توسعه دهد و به آن لطمه‌ای وارد نشود (همان، ۴۰۴-۴۰۵، شماره سند ۳۱۵/۱۰۴۲-۳۳۳ ط ۴۴/۸/۲۲، تاریخ ۱۳۴۴/۹/۲۴). دانشجویان مقیم فلورانس اعلامیه‌ای در روزنامه لونیتا منتشر کردند. این مقاله در پاسخ مقاله روزنامه چاپ فلورانس که نوشته بود جوانان ایرانی در خارج به آسانی طعمه مبلغین قرار می‌گیرند و با مرام اشتراکی به ایران مراجعت می‌نمایند، چاپ شد (همان، ۴۱۱، شماره سند ۳۱۵/۱۲۵۵-۳۹۸ ط ۴۴/۱۰/۲۵، تاریخ ۱۳۴۴/۱۱/۱۸) و سرانجام ۴۲ تن از نمایندگان پارلمانی حزب سوسیالیست ایتالیا پیامی جهت رؤسای مجلسین شورای ملی و سنای ایران به سفارت ایران در رم تسلیم کردند و در آن درخواست نمودند که محاکمه دانشجویان دستگیر شده در یک دادگاه غیرنظامی تضمین گردد، به عده‌ای از ناظران خارجی اجازه حضور داده شود و نماینده سازمان صلیب سرخ بین‌المللی نیز بتواند آنها را معاینه نماید. (همان، شماره سند ۲۷۴/م، تاریخ ۱۳۴۴/۵/۶؛ آرشیو اسناد ریاست

جمهوری، شماره سند ۳۵۹۶/۵۰۰۰م، تاریخ ۱۳۴۴/۵/۱۹). متن نامه هم‌زمان در روزنامه آوانتی منتشر شد. سفارت از قبول نامه به عنوان مداخله در امور داخلی ایران خودداری نمود و طی ملاقات‌ها و گفتگوهایی که با وزارت امور خارجه ایتالیا به عمل آمد به آنها گفته شد که نباید نمایندگان حزب سوسیالیست، که حزب مؤتلف دولت ایتالیا است، نامه‌ای به رؤسای مجلسین ایران بنویسند زیرا دخالت در امور داخلی کشور است و ممکن است طرح این نامه در مجلسین به روابط دوستانه ایران و ایتالیا آسیب برساند. از آنجا که حزب سوسیالیست ایتالیا اقدام به تهیه و ارسال نامه مزبور ننموده و یا ممکن است اصولاً با صدور این نامه موافق نبوده باشد و عده‌ای از نمایندگان حزب چنین نامه‌ای را تهیه و ارسال داشته‌اند، سفارت ایران حزب سوسیالیست را مسئول ارسال این نامه ندانستند (آرشیو اسناد ریاست جمهوری، شماره سند: ۲۷۴م، تاریخ ۱۳۴۴/۵/۶). اما سفیر ایران در ایتالیا نیز طی نامه‌ای به کمیته ایتالیایی دفاع از زندانیان سیاسی، اظهار داشت محاکمه متهمان با رعایت موازین قانونی و منصفانه انجام خواهد گرفت. گروه نیکخواه از اعدام نجات پیدا کردند و پیروزی کنفدراسیون در مبارزه برای نجات گروه نیکخواه از اعدام و اعتباری که جنبش دانشجویی ایران در پی این کارزار جهانی کسب کرد، و البته در این میان دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های ایتالیا نقش بسیار موثری ایفا کردند و در نتیجه سازمان و کنفدراسیون دانشجویان را در دست‌زدن به اقداماتی مشابه ترغیب کرد (شوکت، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۴۵).

۶-۳- سایر فعالیت‌های دانشجویان

کنفدراسیون جهانی سمینارهای متعددی را برپا می‌کرد که برخی از این سمینارها از سوی دانشجویان ایرانی در ایتالیا برگزار شد. از مسائلی که در چندین سمینار پیاپی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت موضوع جنبش دانشجویی ایران، نقش جنبش دانشجویی در کشورهای عقب‌مانده و جوامع سرمایه‌داری و سمت و سوی جنبش دانشجویی در عرصه جهانی بود. کنفدراسیون در این زمینه، چندین سمینار در گراتس (اتریش)، فلورانس (ایتالیا)، سمینار اردوی تابستانی در ریچیونه (ایتالیا) و نیز سمینار لندن (انگلستان) پیرامون جنبش دانشجویی و مسائل آن ترتیب داد (شوکت، ۱۳۹۱: ۱۷۰). سمینار کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی (دومین سمینار منطقه‌ای مشترک با فدراسیون ایتالیا در فلورانس) که در فروردین ۱۳۴۶ (آوریل ۱۹۶۷) در فلورانس ایتالیا برگزار شد بر این امور تأکید داشتند: توجه به اوضاع و تأثیرات انقلاب اکتبر، پیدایش اردوگاه سوسیالیستی، انقلاب چین و کوبا و پاره‌ای از کشورهای آفریقایی، تشدید تضاد میان خلق‌های ستمدیده با امپریالیسم جهانی و اوج و گسترش جنبش‌های رهایی‌بخش، به‌ویژه جنبش حق‌طلبانه

خلق‌های هند و چین و بحث و تبادل نظر درباره نقش نیروها و سازمان‌های مترقی دانشجویی در برقراری و دفاع از صلح جهانی و پشتیبانی از نهضت‌های رهایی‌بخش (همان، ۱۷۰-۱۷۱). رحمت‌الله خسروی دبیر فرهنگی کنفدراسیون در ایتالیا در نطق خود بیان کرد که برای پیشروی مقاصد ضروری است که با دیگر سازمان‌ها همگام بود و برای انجام این عمل باید سمینارهای بیشتری جهت حل مسائلی سیاسی جهت یافتن راه‌حل مبارزه با امپریالیسم تشکیل دهند. وی در سخنرانی خود اظهار داشت که باید از چهارچوب مبارزات صنفی خارج شد (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۲/۴۱۴-۴۱۵، شماره سند ۵۵۳، تاریخ ۴۶/۲/۲۰) و سمینار کنفدراسیون در شهریور ۱۳۴۶ (سپتامبر ۱۹۶۷). دومین اردوی تابستانی کنفدراسیون در شهر ریچونو، با شرکت دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون از کشورهای ایتالیا، بلژیک، فرانسه، سوئیس، آلمان، انگلستان و اتریش تشکیل شد. سمینار ضمن بررسی «عمده‌ترین رویدادهای جهان در یک مقطع تاریخی که دربرگیرنده کلیه نهضت‌های ملی رهایی‌بخش، از جنگ امپریالیستی در ویتنام تا بحران خاورمیانه بود»، به بررسی وظیفه جنبش‌های مترقی دانشجویی پرداخت (شوکت، ۱۳۹۱: ۱۷۱). از آنجایی که این شهر ساحلی در استانی قرار داشت که نیروهای چپی و سوسیالیست کارگری در شهرداری و استانداری و غیره دارای رأی اکثریت بودند از طریق تماس با سازمان‌های مزبور تسهیلات فراوانی از قبیل در اختیار گذاردن سالن برای جلسات سمینار - اتوبوس رایگان - تخفیف ۵۰ درصد در مورد هتل و رستوران برای سمینار معمول گردید (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۲/۴۳۵، شماره سند ۳۱۵/۱۴۳۳، تاریخ ۴۷/۷/۱۳). طی این اردو سمینار فرهنگی کنفدراسیون برگزار شد. از سوی دیگر سمینار نشان‌دهنده اختلاف در سازمان‌ها و انجمن‌های وابسته به حزب توده بود (همان، ۴۳۵، شماره سند ۳۱۵/۱۴۳۳، تاریخ ۴۷/۷/۱۳).

مسئله‌ای که وجود داشت این بود که رهبران کنفدراسیون ائتلافی از جبهه ملی و گروه انقلابی بودند. آنان این سمینارها را برگزار می‌کردند و دیگر سخنی از کنفدراسیون صنفی نبود. آنها کنفدراسیون را صنفی سیاسی می‌دانند و این مسئله تا اندازه قابل توجهی در داخل سازمان‌های شهری نشر نموده و مخالفتی از گروهی غیر از طرفداران مسکو نشده بود. این سمینار نیز در دنباله خواست‌های رهبران کنفدراسیون می‌بایست قدم‌های بزرگ‌تری را در این راه برمی‌داشت. بنابراین لبه تیز و برنده بحث‌ها متوجه طرفداران کمیته مرکزی بود. این خط اصلی سمینار بود (همان، ۴۲۰-۴۲۱، شماره سند ۳۱۵/۱۶۷، تاریخ ۲۲/سپتامبر ۶۷). در این سمینار عده‌ای از دانشجویان مخالف پیوستن کنفدراسیون به L.U.S (اتحادیه بین‌المللی دانشجویان بلوک شرق) بوده و اعتقاد داشتند که کنفدراسیون باید در جهت ایجاد اتحادیه بین‌المللی از سازمان‌های دانشجویی مترقی سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین گام بردارد (همان، ۴۳۳، شماره سند ۳۱۲/۷۰۳، تاریخ ۴۷/۵/۳۰).

۷- سرانجام جنبش دانشجویی در ایتالیا

با وجود رابطه حسنه میان ایران و ایتالیا، برخی ارگان‌های دولتی که در اختیار کمونیست‌ها بودند از حزب توده حمایت می‌کردند (همان، ۴۸۱، شماره سند ۳۳۲/۲۳۷۲، تاریخ ۵۷/۷/۱۹). در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۴ فعالیت‌های کمیته مرکزی حزب توده در ایتالیا در میان دانشجویان ایرانی بسیار زیاد شد. به طوری که هر ماه نشریات روزنامه مردم - دنیا و اخگر - برای کلیه دانشجویان ایرانی ارسال می‌شد و در مقابل از فعالیت کنفدراسیون ایتالیا بسیار کاسته شده بود. به طوری که در سال ۵۴ حتی نشریه‌های کنفدراسیون را هم برای دانشجویان عضو فدراسیون ایتالیا نمی‌فرستادند، مثلاً ستاره سرخ به دست دانشجویان نمی‌رسید. فعالیت دوباره کمیته مرکزی در ایتالیا هم‌زمان با آمدن ایرج اسکندری در سال ۵۳ به رم و پی‌ریزی C.U.D.I بود (همان، ۴۵۸، شماره سند ۶۷۶۵، تاریخ ۵۴/۱۲/۲۲) و در این مدت نشریه «راه آزادی» از طرف «کمیته اتحاد برای دموکراسی در ایران» (وابسته به کمیته مرکزی حزب توده) به زبان ایتالیایی چاپ و در برخی نقاط ایتالیا توزیع می‌شد. این نشریه توسط رحمت‌اله خسروی و محمدرضا اولیاء (دو تن از ایرانیان طرفدار کمیته مرکزی حزب توده مقیم ایتالیا) با همکاری ده تن از کمونیست‌های ایتالیایی تهیه می‌گردید. در اولین شماره نشریه مذکور در آبان و آذر ۱۳۵۴ (نوامبر و دسامبر ۱۹۷۵) تحت عناوینی از قبیل «انتخابات قلابی شاه اخبار مربوط به مقاومت در برابر رژیم شامل مطالبی پیرامون اعتصاب کارگری و محاکمات در دادگاه‌های نظامی، هفتاد سال مبارزه، نیروهای ملی ایران، چطور و به چه علت یک ارتش مدرن تدارک دیده شده است، آخرین قانون اختناق آور و فاشیسم ایران» مطالبی علیه دولت ایران درج شده است (همان، ۴۶۰، شماره سند ۳۲۲/۴۱۷۷، تاریخ ۵۴/۱۲/۳۰). فعالیت‌های دانشجویی سازمان‌ها در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی گسترش یافت. از طرف کمیته مرکزی حزب توده اعلامیه‌ای به زبان فارسی به تاریخ ۵۷/۶/۱۳ صادر شد و توسط دانشجویان ایرانی طرفدار کمیته مرکزی تکثیر و روز ۱۵ و ۵۷/۶/۱۶ در رم پخش گردید که دولت ائتلاف ملی سرکار بیاید تا این وظایف مشخص را انجام دهد. در اعلامیه مطالبی درباره آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک، محاکمه گردانندگان رژیم، تأمین آزادی بیان و مطبوعات، انحلال مجلسین و انتخابات آزاد، اجرای کامل قانون ملی شدن نفت، اخراج مستشاران آمریکایی و لغو قراردادهای نظامی با آمریکا و خارج شدن ایران از سنتو، مصادره اموال خاندان پهلوی و بهبود وضع کارگران نوشته شده بود. (همان، ۴۸۰، شماره سند ۹۵۴، تاریخ ۵۷/۶/۱۸).

با گذشت چند ماهی از سال ۱۳۵۶، ناگهان دولت ایتالیا تصمیمی در خصوص دانشجویان ایرانی گرفت و اعلام کرد از پذیرش دانشجویان ایرانی جلوگیری می‌کند. بنا به گزارش روزنامه

«کوریر دل‌اسرا» فعالیت سازمان دانشجویان ایرانی سبب شد تا وزارت کشور و فرهنگ ایتالیا این تصمیم را اتخاذ کند. این روزنامه افزوده بود که این تصمیم به منظور فعالیت مخفی دانشجویان که با گروه‌های افراطی چپ همکاری می‌کردند و تصمیم دولت ایتالیا به خاطر زیاده‌روی سیاسی این سازمان‌ها به خصوص سازمان دانشجویان ایرانی بوده است که به علت اختلاف نظر در داخل سازمان خود با بروز آشوب و اغتشاش روبرو شده‌اند و دولت ایتالیا ناچار به اتخاذ چنین تصمیمی شده بود. و برای اولین بار کمونیست‌ها و دموکرات‌های مسیحی دو حزب بزرگ ایتالیا که در جهت مخالف یکدیگر قرار داشتند برای ایجاد امنیت و جلوگیری از اغتشاش به این توافق رسیدند و از تصمیم وزارتخانه‌های فرهنگ و کشور ایتالیا حمایت کردند. ایران در این زمان در حدود دو هزار دانشجو در مؤسسات آموزش عالی ایتالیا داشته است و سالانه بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر دانشجو برای رشته‌های مختلف به ایتالیا می‌رفتند. البته این قانون حداقل تا پیروزی انقلاب اسلامی عملی نشد و دولت ایتالیا در سال ۵۷ نیز بورس‌های تحصیلی به دانشجویان ایرانی واگذار می‌کرد. (فیاضی، ۱۳۹۳: ۳۵۷-۳۵۸).

نتیجه‌گیری

گسترش فعالیت دانشجویان ایرانی در کشورهای اروپایی به شکل‌گیری سازمان کنفدراسیون دانشجویی انجامید. گسترش فعالیت جنبش‌های دانشجویی در ایران و نفوذ حزب توده و جبهه ملی در میان دانشجویان به گسترش نفوذ چهره‌قالب این جریان‌ها در فعالیت‌های دانشجویی خارج از کشور نیز تبدیل شد. دانشجویان ایرانی ساکن در ایتالیا نیز، که تعداد قابل ملاحظه‌ای بودند، به‌زودی جزو «کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی» شدند و سازمان‌های جداگانه با خط مشی‌های متفاوتی ایجاد کردند. آنها انجمن‌ها و سازمان‌هایی شامل طرفداران جبهه ملی، انجمن اسلامی فلورانس، انجمن اسلامی رم، سازمان دموکرات دانشجویان، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات در فلورانس و رم (کودی CUDI)، سازمان طوفان، کمیته آزادی ایران - ایتالیا، به وجود آوردند. با وجود اینکه تعدادی از این انجمن‌ها و سازمان‌ها گرایش‌های ناسیونالیستی و اسلامی داشته‌اند اما با توجه به حمایت‌های مالی و معنوی احزاب کمونیست ایتالیا، دانشجویان این سازمان‌ها به سوی فعالیت‌های چپ‌گرایانه تحت حمایت‌های آنان کشیده می‌شدند و البته اختلافاتی هم با توجه به گرایش‌های متفاوت آنها به وجود می‌آمد. این سازمان‌ها با انتشار اعلامیه‌ها، برگزاری کنفرانس‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی، چاپ روزنامه و کتاب و برپایی نمایشگاه‌ها به تبلیغ و فعالیت علیه رژیم می‌پرداختند و از این طریق به یک نیروی مهم و اثربخشی

در مناسبات ایران و ایتالیا درآمدند. دانشجویان ایرانی با فعالیت‌های سیاسی، تظاهرات و فعالیت‌های فرهنگی در قالب مصاحبه‌ها و انتشار مجلات و برپایی سخنرانی‌ها، برای افشای اعمال رژیم در ایتالیا می‌کوشیدند. با برقراری ارتباط دانشجویان ایرانی با گروه‌های افراطی چپ‌گرا در ایتالیا، دولت ایتالیا جهت ایجاد امنیت تصمیم گرفت ورود دانشجویان ایرانی به ایتالیا و بورسیه‌های تحصیلی آنها را کاهش دهد اما در عمل دانشجویان تا پایان رژیم پهلوی در این زمینه تأثیرگذار بودند.

منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱). *ایران بین دو انقلاب*. مترجمان کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز. چاپ شانزدهم.
- _____ (۱۳۹۳). *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: انتشارات پردیس دانش. چاپ سوم.
- آرشیو اسناد ریاست جمهوری، شماره ۳۵۹۶/۵۰۰/م، تاریخ ۱۳۴۴/۵/۱۹.
- _____، شماره ۲۷۴/م، تاریخ ۱۳۴۴/۵/۶.
- _____، سند بدون شماره، تاریخ ۱۳۴۲/۸/۹.
- _____، شماره ۳۴۴۲، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۲۲.
- _____، شماره ۱۷۲-۳۱، تاریخ ۱۳۴۴/۳/۳.
- _____، سند بدون شماره، ۲۶ اکتبر ۱۹۶۳.
- آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی. کدسند ۱۰۲۵۲۸۹، ۱۰۲۵۲۸۹/۲/۱/۲۹۸، ۱۹/۵۵/۲/۱/۲۹۸، تاریخ ۱۳۳۷/۱۱/۲۵-۱۳۳۹/۱۰/۲۴.
- _____، کد سند ۸۴۱۸۹۴، ۸۴۱۸۹۴/۲/۱/۲۸۵، ۱۹/۱۷۰/۲/۱/۲۸۵، تاریخ ۱۳۳۸.
- _____، کد سند ۱۱۱۰۵۳۱، ۱۱۱۰۵۳۱/۲۹۸، ۱۹/۹۹/۰/۲۹۸، تاریخ ۱۳۳۷/۹/۸-۱۳۳۹/۱/۲۸.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۹۳). *روابط خارجی ایران (۱۳۳۰-۱۳۵۷)*. تهران: قومس. چاپ شانزدهم.
- الموتی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۰). *فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران*. تهران: شرکت انتشارات چاپخش.
- *چپ در ایران به روایت اسناد ساواک* (۱۳۸۱). (کتاب دهم). جلد ۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. تهران: وزارت اطلاعات.
- *چپ در ایران به روایت اسناد ساواک* (۱۳۸۲). (کتاب دهم). جلد ۲. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. تهران: وزارت اطلاعات.

- **چپ در ایران به روایت اسناد ساواک** (۱۳۸۳). کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- خلعت بری، فریده (۱۳۷۳). **کیانوری و ادعاهایش**. تهران: نشر شباویز.
- ذبیح، سپهر (۱۳۷۸). **تاریخ جنبش کمونیستی در ایران**. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: مؤسسه انتشارات عطائی. چاپ دوم.
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۲). **مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی**. تهران: روزنه.
- شوکت، حمید (۱۳۹۱). **جنبش دانشجویی: کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه‌ی ملی)**. تهران: نامک.
- _____ (۱۳۸۰). **نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، گفتگو با مهدی خانبابا تهرانی**. تهران: انتشار.
- **سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی** (۱۳۷۰). ج ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۸). **ناسیونالیسم در ایران**. ترجمه احمد تدین. با مقدمه حاتم قادری. تهران: کویر. چاپ دوم.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۸۲). **خاطرات نورالدین کیانوری**. تهران: اطلاعات. چاپ سوم.
- فیاضی، عمادالدین (۱۳۹۳). **تاریخ روابط ایران و ایتالیا (مناسبات سیاسی - فرهنگی ۱۳۲۰-۱۳۵۷)**. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد یادگار امام خمینی (ره).
- فوران، جان (۱۳۸۹). **مقاومت شکننده**. مترجم احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا. چاپ دهم.
- طبری، احسان (۱۳۶۷). **کثر راهه**. تهران: امیرکبیر.
- متین، افشین (۱۳۷۸). **کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲**. مترجم ارسطو آذری. تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه. چاپ دوم.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۷۸). **در حاشیه سیاست خارجی؛ از دوران نهضت ملی تا انقلاب (۱۳۵۹-۱۳۲۷)**. تهران: نشر گفتار.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷). **تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)**. ج ۱. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ پنجم.

References

- Ābrāhāmīān, Yirwānd, (2014), Maqālātī Dar Jāmi'ih Shināsīyi Sīyāsīyi Īrān, Tarjumihyi Suihiylā Turābī Fārsānī, Tihrān: Intishārātī Pardīsī Dānish, Chāpi Siwwum.
- Ābrāhāmīān, Yirwānd, (2012), Īrān Biyni Du Inqilāb, Mutarjimān Kāzīm Fīrūzmand, Ḥasan Shams Āwārī, Muḥsin Mudīr Shānichī, Tihrān, Nashri Markaz, Chāpi Shānzdahum.

- Alamūtfī. Dīyā' al-Dīn, (1991), Fuṣūlī az Tārīkhi Mubārīzāti Sīyāsī wa Ijtimā'īyī Īrān, Tīhrān: Shirkati Intishārāti Chāpakhsh.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Sanadi Bidūni Shumārīh, 26 Uktubr 1963.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Sanadi Bidūni Shumārīhiyī, Tārīkhi 1/11/1963.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Shumārīhiyī 31-172, Tārīkhi 24/5/1965.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Shumārīhiyī 3442, Tārīkhi 12/6/1965.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Shumārīhiyī M/274, Tārīkhi 28/7/1965.
- Ārshīwi Asnādi Rīyāsati Jumhūrī, Shumārīhiyī M/3596/5000, Tārīkhi 10/8/1965.
- Ārshīwi Markazi Asnādi Kitābkhānihiyī Majlisi Shurāyi Islāmī, Kudi Sanad 1025289, q19/55/2/1/298, Tārīkh 14/2/1959-14/1/1961.
- Ārshīwi Markazi Asnādi Kitābkhānihiyī Majlisi Shurāyi Islāmī, Kudi Sanad 841894, 19/170/2/1/285, Tārīkh 1959.
- Ārshīwi Markazi Asnādi Kitābkhānihiyī Majlisi Shurāyi Islāmī, Kudi Sanad 1110531, q19/99/0/298, Tārīkh 29/11/1958-17/4/1960.
- Azghandī, Siyyid 'alīriḏā, (2014), Rawābiṭi Khārijī Īrān (1941-1978), Tīhrān: Qūmis, Chāpi Shānzdahum.
- Chap Dar Īrān Bih Riwayati Asnādi Sāwāk, (2002), (Kitābi Dahum), Jild 1, Markazi Barrasiyī Asnādi Tārīkhīyī Wizārati Ittīlā'āt, Tīhrān: Wizārat Ittīlā'āt.
- Chap Dar Īrān Bih Riwayati Asnādi Sāwāk, (2003), (Kitābi Dahum), Jild 2, Markazi Barrasiyī Asnādi Tārīkhīyī Wizārati Ittīlā'āt, Tīhrān: Wizārat Ittīlā'āt.
- Chap Dar Īrān Bih Riwayati Asnādi Sāwāk, (2004), Kunfidrāsīyuni Dānishjūyāni Īrānī Dar Urūpā, Tīhrān: Markazi Barrasiyī Asnād Tārīkhīyī Wizārati Ittīlā'āt.
- Dhabīḥ, Sīpihr, (1999), Tārīkhi Junbishi Kumunīstī Dar Īrān, Tarjumihiyi Muḥammad Raft'ī Mihrābādī, Tīhrān: Mu'assisihiyi Intishārāti 'atā'ī, Chāpi Duwwum.
- Fayyādī, 'imād al-Dīn, (2014), Tārīkhi Rawābiṭi Īrān wa Itālyā (Munāsibāti Sīyāsī-Farhangī 1941-1978), Tīhrān: Dānishgāhi āzādi Islāmī, Wāḥidi Yādigāri Imām Khumiynī.
- Furān, Jān, (2010), Muqāwimati Shikanandih, Mutarjim Aḥmad Tadayyun, Tīhrān: Khadamāti Farhangīyī Rasā, Chāpi Dahum.
- Kātim, Rīchārd, (1999), Nāsīyūnālīsm dar Īrān, Tarjumihiyi Aḥmad Tadayyun, bā Mughaddamihiyī Hātam Ghādirī, Tīhrān: Kawīr, Chāpi Duwwum.
- Khal'atbarī, Farīdih, (1994), Kīyānwarī wa Iddi 'āḥayash, Tīhrān: Nashre Shabāwīz.
- Kīyānwarī, Nūr al-Dīn, (2003), Khāṭirāti Nūr al-Dīn Kīyānwarī, Tīhrān: Ittīlā'āt, Chāpi Siwwum.
- Mahdawī, 'abd al-Rīḏā Hūshang, (1999), dar Hāshīyihiyi Sīyāsati Khārijī; az Durāni Nihḏati Millī tā Inqilāb (1948-1980), Tīhrān: Nashri Guftār.
- Matīn, Afshīn, (1999), Kunfidrāsīyuni Tārīkhi Junbishi Dānishjūyāni Īrānī dar Khārij az Kishwar 1953-78, Mutarjim Arasṭū Āzarī, Tīhrān: Mu'assisihiyi Nashr wa Pazhūhishi Shīrāzih, Chāpi Duwwum.
- Najātī, Ghulām Riḏā, (1998), Tārīkhi Sīyāsīyī Bīst wa Panj Sālihiyī Īrān (az Kūditā tā Inqilāb), J 1, Tīhrān: Mu'assisihiyi Khadamāti Farhangīyī Rasā, Chāpi Panjum.
- Shukat, Ḥamīd, (2001), Nigāhī az Darūn bih Junbishi Chapi Īrān, Guftigū bā Mihdī Khānbābā Tīhrānī, Tīhrān: Intishār.
- Shukat, Ḥamīd, (2012), Junbishi Dānishjūyī: Kunfidrāsīyuni Jahānīyī Muḥaṣṣilīn wa Dānishjūyāni Īrānī (Ittīhādīyihiyi Millī), Tīhrān: Nāmak.
- Sīyāsāt wa Sāzmāni Ḥizbi Tūdiḥ az Āghāz tā Furūpāshī, (1990), J 1, Tīhrān: Mu'assisihiyi Muṭālī'āt wa Pazhūhishhāyī Sīyāsī.
- Ṭabarī, Iḥsān, (1988), Kazh Rāhih, Tīhrān: Amīr Kabīr.
- Zibākālām, Ṣadiq, (1993), Muqaddamihiyī Bar Inqilābi Islāmī, Tīhrān: Ruzanih.

Study of Iranian Students' Movement in Italy (1961- 1979)¹

Rohollah Bahrami²
Parvin Rostami³

Receive: 31/12/2017
Accept: 10/2/2019

Abstract

Student movements, including the impact circumstances of historical developments in contemporary Iranian society were in interior and out of the country. With the formation Tudeh party and formed the national movement this movement was increasingly affected by left movement and the oil nationalization movement. In the beginning of fourties, Iranian students formed in Western Europe and America a confederation of different trends, Tudeh party, the National Front, and currents of the Islamic organize for plans protest against government. Italy was among the countries faced with the expansion of cultural relations with Iran and the dispatch of a large number of Iranian students. The influence of Marxist party, Communists and socialist in Italy, Iranian students residing in Italy is strongly influenced by it. The present study in a descriptive –analytical manner, is about to notice the activities of students abroad, their formation and how to organize associations and political organizations, student activists in Italy examined and to explain the activities of the pro-Iranian students of the leftist movement and other national and Islamic movements in Italy. research findings show that despite the willingness of Nationalist and Islamist tendencies among Iranian students in Italy due to the support of the communist parties of the country and the influence of the Tudeh party many students with left trends attracted confederation and numerous activities and programs carried out with formation of students' organizations and associations against the Pahlavi regime in Italy.

Keywords: Iran, Italy, Confederation of Iranian Students, Communist, Tudeh Party.

1. DOI: 10.22051/hii.2019.18540.1539

2. Associate Professor of History, Razi University; r.bahrami@razi.ac.ir

3 . PhD Candidate in History of Islamic Iran, Lorestan University (Corresponding Author); rostami.pa@fh.lu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493